

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۰

جمعه ۲۵ مهر ۱۳۹۹، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۰

### پیامدهای در گذشت شجریان

حمید تقوایی

بدنبال در گذشت محمدرضا شجریان، بحثهایی در نقد سیاسی و هنری او در گرفته است. برخی او را از نظر سیاسی در کنار رژیم و در بهترین حالت مدافع اصلاح طلبان حکومتی میدانند، ترانه ربا و گفته و نوشته هائی از او در دفاع از حکومت و از جنبش سبز را شاهد می آورند و به او از این زاویه که ضد رژیم نبوده است می‌تازند. عده دیگری از نظر هنری او را نقد میکنند چون کلا موسیقی سنتی ایرانی را عقب مانده و در نقطه مقابل موزیک مدرن میدانند. در نوشته هائی هم هر دو جنبه زمینه ای برای تاختن به شجریان شده است. قبل از هر چیز باید گفت شجریان هر که بود و هر چه کرد بعد از مرگش هزاران نفر به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. باید پرسید چرا؟ اولین پاسخ ممکن است این باشد که شجریان بعنوان یک خواننده و استاد موسیقی ایرانی محبوبیتی میلیونی داشت. اما این همه جواب نیست. هر هنرمندی هر اندازه هم در هنرش استاد و محبوب جامعه باشد بعد از درگذشتش با

بدنبال در گذشت شعارهای ضد حکومتی از جانب هزاران نفر مشایعت نمیشود. و در مراسم تشییع جنازه اش مردم جواب "صلوات بلند ختم کنید" را با کف زدن نمیدهند. این استفاده مردم خشمگین و متنفر از حکومت از فرصتی است که در گذشت خواننده محبوبشان فراهم کرده است. اگر شجریان در این خشم و نفرت با مردم شریک نبود چنین اتفاقی نمی افتاد. مستقل از درجه مترقی و ارتجاعی بودن موسیقی ای که شجریان نمایندگی میکرد و مستقل از نظرات و باورهای سیاسی اش، نفس برآمد تعرضی جامعه علیه حکومت به بهانه مرگ او یک نشان عینی جایگاه و نقش سیاسی و اجتماعی او است. هر ناظری که حتی آشنائی چندانی هم با شرایط سیاسی ایران نداشته باشد از شنیدن این خبر به این نتیجه میرسد که یک چهره و سلبریتی مخالف رژیم باید فوت کرده باشد. این برآمد اعتراضی جامعه - در خیابانها و در مدیای اجتماعی - بدنبال فوت شجریان اولین نکته در ادامه در صفحه ۲



## خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!

### حلقه محاصره جمهوری اسلامی تنگتر میشود

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

### جایگاه و دستاوردهای خیزش آبان ۹۸

گفتگو با حمید تقوایی

صفحه ۴

### محمد موسوی زاده، کودکی ۱۱ ساله خودکشی کرد!

سیامک بهاری

صفحه ۵

### اعلام همبستگی معلمان با معلم محکوم به شلاق

صفحه ۷

### از مدیای اجتماعی حزب

چقدر این صحنه گویا است

صفحه ۶

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، خواهان آزادی معلمان در بند زندان است

صفحه ۷

۲۰ هزار پرستار به کرونا مبتلا شدند و ۱۰۰۰ نفر تقاضای مهاجرت به کشورهای دیگر کردند

صفحه ۸

جنایت سیستماتیک علیه کودکان در نظام اسلامی

صفحه ۸

خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!

صفحه ۸

نامه سرگشاده به کلیه مجامع بین‌المللی در باره کودک ستیزی جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۹

ترامپ هواداران ایرانی اش را خجالت زده کرد!

صفحه ۹

### اطلاعیه ها

۱- "بایکوت سیاسی، ورزشی، هنری و فرهنگی جمهوری اسلامی"

صفحه ۱۰

۲- هفت تپه: اعتصاب کارگران بخش داخلی کارخانه و پیگیری مطالبات

صفحه ۱۱

۳- اعتصاب در فولاد اهواز، اعتراض معلمان به حکم زندان اسماعیل عبدی و چند خبر دیگر

صفحه ۱۱

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## پیامدهای درگذشت...



سلبریتی ها یا باید از همان روز اول علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی باشند و یا باید نقد و افشا بشوند. حتی اگر کسی امروز موضعی ضد حکومتی دارد باید مواضع پرو حکومتی دیروزش را به رخ کشید که دیگر جرات نکند علیه حکومت حرفی بزند و موضعی بگیرد! این متد احزاب سیاسی نیست، روش فرقه هائی است که امرشان نه جامعه و مکانیسم واقعی حرکت‌های اعتراضی اجتماعی بلکه رادیکال نمائی در میان رفقای خودشان و فرقه بغل دستی شان است. این متد رادیکالیزه کردن جامعه نیست، متد منزوی کردن خود در جامعه است. و متاسفانه این اولین بار نیست که ما با چنین برخوردهای غیر سیاسی - غیر اجتماعی ای روبرو میشویم.

از نظر هنری هم موضوعگیری در مورد هنر، شعر و موسیقی و نقاشی و غیره، نمیتواند و نباید امری حزبی باشد. حتما هرکس در مورد هنر انقلابی و ارتجاعی نظرات معینی دارد و ممکن است معیارهای اژکتیوی هم برای ارزیابی هنر و هنرمندان تعریف کرد. اما اینجا هم باید نقد هنری را از نقد سیاسی مواضع هنرمند - و همچنین از مواضع فرد منتقد - تفکیک کرد. ممکن است هنرمندی بسیار با استعداد و استاد در رشته هنری خودش از نظر سیاسی موضعی ارتجاعی داشته باشد و برعکس. ولی در هر حال کار هنری را باید در خود نقد و ارزیابی کرد. این هم کاملا ممکن است که هنرمندی در سیر زندگی خود نظرات و دیدگاهش تغییر کند و در دوره های مختلف زندگی

هیچگاه چنین ادعائی داشت. هنرمندی بود که با حکومت زاویه داشت و مخالفتش همراه با رشد جنبشهای اعتراضی جامعه، مثل بسیاری از چهره ها و افراد عادی دیگر، تندتر و عمیق تر میشد. در مصاحبه ها و کلیپهائی که از او باقیمانده این سیر را به روشنی مشاهده میکنید. از نظر مردم برای چهره هنری ای با محبوبیت شجریان همین اندازه از با رژیم نبودن و زاویه داشتن با حکومت برای سر دادن فریاد مرگ بر دیکتاتور و "دیکتاتور بمیرد شجر هرگز نمیرد" کافی است. اما برای بعضی از نیروهای چپ زاویه با رژیم اگر کمتر از صد و هشتاد درجه باشد باید بحساب سازش گذاشته شود. از نظر آنان افراد و هنرمندان و

مخالفت من با این نوع منتقدین او است. تا زمانی که شجریان زنده بود این دوستان کلمه ای در نقد هنری و یا سیاسی او بر قلم نیاورده بودند. اما به مجرد درگذشتش خود را موظف دیدند او را به نقد بکشند. آیا جز این است که آنچه آنان را به این صرافت انداخته اعتراض خیابانی چندین هزار نفره مردم علیه دیکتاتور است؟ ظاهرا دوستان نگران آن هستند که مردم یک سازشکار با رژیم را با مخالف رژیم اشتباه گرفته باشند! میخواهند به مردم بگویند شجریان ضد دیکتاتور نبود، به خانه تان برگردید! اما این مردم هستند که درست تشخیص داده اند. شجریان نه یک حزب و چهره سیاسی بود و نه یک فعال مبارزه برای سرنگونی حکومت و نه



## شعار مردم مقابل بیمارستان: دیکتاتور بمیرد شجر هرگز نمیرد

آثار مختلفی خلق کند. بنابراین نمیتوان نقد یک کار هنری معین را به نقد همه کارهای یک هنرمند بسط داد. در ارزیابی هنری شجریان نیز باید همین متد را بکار برد. او هم ربتا را خوانده است و هم مرغ سحر ناله سرکن را. و روشن است که این دو از نظر مضمون و حتی سابقه آهنگ و ترانه با یکدیگر متفاوت هستند. یکی در انقلاب مشروطه ریشه دارد و دیگری در تجربه قرائت قرآن! روشن است که نمیتوان تنها یکی از آنها را مبنای ارزیابی هنری شجریان قرار داد. مهم اینست که او در ادامه فعالیت هنریش بیشتر و بیشتر به سوی "مرغ سحر" سیر کرد.

از نظر نوع موزیک شخصا ارادتی به موسیقی سنتی ایرانی - و موسیقی سنتی هیچ کشور دیگری - ندارم اما انتقادی هم به طرفداران این نوع موسیقی ندارم. لابد میتوان معیارهای عینی ای برای ارزیابی شاخه های مختلف موزیک بدست داد - مثل رابطه موزیک کلاسیک غربی با جامعه اشرافی و موزیک راک و پاپ با جنبشهای اعتراضی دهه شصت و غیره - ولی در نهایت سلیقه موسیقی هر فرد بر میگردد به زمینه فرهنگی و تجربیات شخصی او. و از این نظر نمیتوان خرده ای بر کسی گرفت.

در آخر باز باید بر نکته اول تاکید کنم. نقد ما بر شخصیت هنری و سیاسی شجریان هر چه باشد مردم معترض در مقیاسی گسترده در خیابان و در مدیای اجتماعی، او را بزرگ داشتند. و این خود نشانه جایگاه سیاسی این هنرمند در جامعه است. مردم فوت شجریان را فرصتی برای تعرض به حکومت یافتند و کسانی فرصتی برای نقد شجریان. این منتقدین جامعه را نمایندگی نمیکند، برعکس دوری خود از جامعه و بیگانگی خود از مکانیسم های اجتماعی اعتراض را به نمایش میگذارند.\*



"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است". منصور حکمت

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس اپ: +۹۸ ۲۲ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi\_hkki

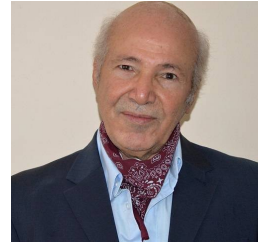
پیامگیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)



## حلقه محاصره جمهوری اسلامی تنگتر میشود کاظم نیکخواه



دبیر کل سازمان ملل آنتونیو گوترش در گزارش خود به مجمع عمومی این سازمان که این هفته منتشر شد، در باره وضعیت حقوق بشر در ایران به شدت از جمهوری اسلامی انتقاد کرده و ضمن ابراز نگرانی عمیق از اعدام، بازداشت و سرکوب معترضان و صدور احکام قضایی علیه زنان و کودکان، از «نقض فاحش حقوق بشر» در این کشور انتقاد کرد. این گزارش در پاسخ به مجمع عمومی سازمان ملل آماده شده بود و روز سه شنبه ۲۲ مهر منتشر شد. آنتونیو گوترش در گزارش خود ضمن اشاره به «نقض فاحش حقوق بشر» از سوی حکومت اسلامی سرکوبهای گسترده اعتراضات از جمله در آبان ماه را مورد انتقاد قرار داده است. استفاده «بیش از حد و مرگبار» از نیروهای امنیتی و خشونت در برابر اعتراضات، مورد انتقاد دبیر کل سازمان ملل قرار گرفته است. بعلاوه دبیر کل سازمان ملل به استفاده از مجازات اعدام برای طیفی از جرایم متفاوت اشاره کرده و تاکید کرده است که توصیه های سازمان ملل توسط حکومت اسلامی اجرا نشده است. اعدام حداقل ۲۸۰ نفر در سال ۲۰۱۹ که ۱۳ مورد آن در ملاء عام صورت گرفته یک جنبه دیگر از اعتراض دبیر کل سازمان ملل به جمهوری اسلامی

است. عدم رعایت استانداردهای بین المللی و نبود محاکمات عادلانه در محاکمات نیز به عنوان مصداق نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ذکر شده است. گوترش بر آزادی زندانیان سیاسی تاکید کرده و جمهوری اسلامی را به رعایت حقوق بشر ملزم نموده است. این گزارش در ادامه گزارش شدید اللحن سازمان عفو بین المللی تحت عنوان «نابود کنندگان انسانیت» در ماه گذشته منتشر میشود که در رابطه با سرکوب خیزش آبان ماه و ترور و شکنجه و دستگیری های وسیع و خشونت بی سابقه علیه اعتراضات مردم، جمهوری اسلامی را بخاطر نقض فاحش حقوق بشر بشدت محکوم کرده بود. در چهارم مهر نیز ۴۷ کشور جهان طی بیانیه ای نقض آشکار حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را محکوم کردند. بعلاوه پنج گزارشگر سابق حقوق بشر سازمان ملل قبل از آن طی بیانیه ای اعدام نوید افکاری را محکوم کرده و کشورهای جهان را به عکس العمل نسبت به پایمال کردن حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی فرا خوانده بودند. روز ۱۵ مهر نیز میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از وضعیت وخیم زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی انتقاد کرده و خواهان آزادی زندانیان

سیاسی و رعایت حقوق انسانی شده بود. اشاره کنیم که در ماههای اخیر چندین فدراسیون بین المللی کارگری نیز که دهها میلیون کارگر را پوشش میدهند، در پاسخ به فراخوان «کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران» طی بیانیه هایی به نقض حقوق کارگران و معلمان و مردم در ایران اعتراض کرده و خواهان اخراج حکومت اسلامی از سازمان جهانی کار شدند. همچنین شمار متعددی از ورزشکاران شناخته شده جهان و نهادهای ورزشی بین المللی بدنبال اعدام وحشیانه نوید افکاری، در نامه هایی به کمیته بین المللی المپیک خواهان بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی شدند. بعلاوه شخصیتها و چهره های شناخته شده هنری متعددی خواست بایکوت جمهوری اسلامی را مورد حمایت قرار دادند. این موج حمایتها از بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهان ادامه دارد. یک رویداد بسیار مهم دیگر هم این بود که فراخوان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به دلیل اعدام و سرکوب و نقض حقوق انسانی، از سوی تشکلهای و نهادهای کارگری و دانشجویی و بازنشستگان از داخل کشور نیز شنیده شد. این تحولات از زاویه جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بسیار مهم و قابل توجهند. این تحولات بیانگر اینست که حلقه محاصره جمهوری اسلامی مدام تنگ تر میشود و این حکومت زیر فشار جدی ای در سطح بین المللی قرار گرفته و حتی برخی حامیان سابق خود در طیف دولتهای جهانی را از دست داده است. آنچه در این گزارشها و

بیانیه ها مورد تاکید قرار گرفته بر این تاکید میکند که جمهوری اسلامی در ردیف کشورهایی در جهان قرار دارد که استانداردهای برسمیت شناخته بین المللی توسط سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بشری جهانی را مدام نقض و پایمال میکنند. این موضعگیریها دست دولتها و سازمانها و نیروهای مخالف جمهوری اسلامی را برای تحت فشار گذاشتن این حکومت بازتر میکند و فضای بین المللی را برای گسترش گفتمان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی که سالهاست ما دنبال میکنیم فراهم تر نموده است. مستقل از اینکه هرکدام از دولتهای منتقد جمهوری اسلامی و سازمان ملل چه اهداف و انتظاراتی را از انتقاد به جمهوری اسلامی دنبال میکنند، نفس این موضعگیریها فضا را برای مردم سرنگونی طلب و حزب ما که خواهان بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهان است بیشتر فراهم میکند. بعلاوه خود فضای اعتراضات در ایران و جنبش گسترده سرنگونی طلبی که آینده جمهوری اسلامی را بشدت زیر سوال برده است، خود یک عامل مهم در تغییر موضع دولتها و نهادهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی است. و این خود نشان میدهد که میتوان با گسترش کارزاری فعال برای آفریقای جنوبیه کردن جمهوری اسلامی یعنی بایکوت این حکومت نظیر رژیم آفریقای جنوبی، کاری کرد که این حکومت در سطح جهان وسیعا بایکوت و منزوی شود. باید کاری کنیم که سران و دست اندرکاران این حکومت جرات نکنند پایشان را از کشور بیرون بگذارند و مدام مثل حمید نوری از



بازجویان جمهوری اسلامی که حدود یک سال است در سوئد زندانی شده، خود را با خطر دستگیری و محاکمه روبرو ببینند. بایکوت و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی یک گام مهم در سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم در ایران است و باید فعالانه این هدف را دنبال کرد و مردم دنیا را برای زیر فشار قرار دادن دولتهای متبوع خود برای بایکوت جمهوری اسلامی، فراخوان داد و بسیج کرد. تلاش ما اینست که این حکومت در مجامع دیپلماتیک، کارگری، هنری، ورزشی بایکوت شود و نه فقط دولتها، بلکه مردم دنیا با صدای رسا حکومت اعدام و شکنجه و زندان را مورد حمله قرار دهند. فضای موجود آشکارا نشان میدهد که دستیابی به این هدف غیر ممکن نیست. جمهوری اسلامی یک حکومت ضد انسانی و آدمکش و مرتجع و ضد ارزشها و نرملهای بشری است و باید با انقلاب ما مردم به زیر کشیده شود. فشارهای بین المللی علیه این حکومت یک اهرم مهم در به هم ریختن صفوف این حکومت و تقویت مبارزات مردم در داخل کشور است و باید آنرا فعالانه دنبال نمود.\*



دهه فجر و انتخابات بر سر حکومتی ها دنبال شد. اینها همه از جمله تحولاتی بود که در پی خیزش ۲۴ آبان فضا و شرایط سیاسی در ایران را از پایه تغییر داد.

واقعیات فوق خیزش آبان را به نقطه عطفی در روند تحولات سیاسی در ایران تبدیل میکند. نقطه عطف به

این معنا که تقابل میان توده مردم و جمهوری اسلامی و جنبش سرنگونی طلبانه ای که مدت‌هاست در جامعه جریان دارد را وارد فاز تازه ای کرد که میتوان آنرا جنگ بقا نامید. مردم برای بقای فیزیکی خود، برای تأمین معیشت و برخورداری از پایه ای ترین امکانات یک زندگی انسانی می‌جنگند و حکومت برای حفظ قدرت و ثروت خود و حفظ نظام ضدانسانی که به جامعه تحمیل کرده است. خیزش آبان هر پوشش و پیرایه، هر نوع احتیاط و ملاحظه امنیتی و تاکتیکی از جانب مردم و هر نوع تظاهر و حفظ ظاهر مستضعف پناهی از جانب حکومت، را کنار زد (خامنه ای اعلام کرد منظور از مستضعفین "امام و خلیفه الله" یعنی همان بیت رهبری و آیت الله های حاکم هستند) و تقابلی که از مدتها قبل میان توده مردم و حکومت، میان نود و نه درصدی های بزرگ خط فقر رانده شده و یک درصدی های مفتخور حاکم، جریان داشت را عریان و صریح به نمایش گذاشت. حکومت به مردم معترض به گرانی بنزین شلیک کرد و مردم به دفا تر امام جمعه ها و فرمانداری ها و نیروهای گارد ویژه حمله کردند. محلات به صحنه جنگ و گریز میان نیروهای سرکوب و جوانان تبدیل شد. حکومت مردم را عامل دشمن خواند و مردم شعار دادند "دشمن ما همین

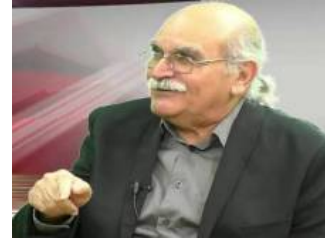
است. جنگی بی امان که تا امروز همچنان ادامه دارد.

**انترناسیونال:** جمهوری اسلامی در برابر خیزش مردم وحشیانه دست به جنایت و کشتار زد و بنا به گزارشها ۱۵۰۰ نفر از عزیزان مردم را با شلیک مستقیم کشتار کرد و ۷۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرد. دلیل اینهمه توحش چه بود و چه نتیجه و تاثیری داشت؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم حکومت میکشد تا باقی بماند. من قبلا هم گفته ام که استراتژی جمهوری اسلامی را با عبارت "بکش و بمان" میتوان توصیف کرد. حکومت بجز سرکوب وحشیانه مردم چاره ای ندارد. سرکوب و کشتاری که قرار است جامعه را مرعوب کند و به همین خاطر حکومت صریح و علنی بروی مردم تیغ میکشد و جلادی اش را به نمایش میگذارد. اما تجربه بویژه در تحولات یکسال اخیر نشان میدهد که این راه کارساز نیست. طبعا شلیک به مردم و دستگیری ها و اعدام ها اعتراضات و مبارزات مردم را میکوبد به عقب میراند اما نمیتواند جامعه را مرعوب کند. بعبارت دیگر تاثیر سرکوبگری ها، درست مانند جنگ و مقابله دو ارتش، فیزیکی - نظامی است و نه سیاسی - اجتماعی. از نظر سیاسی برعکس، سرکوبگری ها تنفر عمومی مردم از رژیم

ادامه در صفحه ۱۳

## جایگاه و دستاوردهای خیزش آبان ۹۸ گفتگو با حمید تقوایی



**انترناسیونال:** یک سال از خیزش آبان ۹۸ گذشت. خیزشی که جامعه را عمیقا شخم زد و تکان داد و رابطه مردم با جمهوری اسلامی را وارد یک نقطه عطف کرد. خیزش آبان سال ۹۸ خیزشی بود علیه گرانی و سرکوب و کل حکومت اسلامی که در بیش از صد شهر جریان یافت و بنا به همه گزارشها افسار فرودست و زحمتکش جامعه بیشترین نقش را در آن داشتند. بحثی داریم با حمید تقوایی در مورد این خیزش

حمید تقوایی خیزش آبان چه ویژگیهایی داشت و در سیر تحولات سیاسی در ایران چه جایگاهی دارد؟

**حمید تقوایی:** خیزش آبان با اعتراض به سه برابر شدن قیمت بنزین آغاز شد ولی به سرعت از اعتراض به گرانی فراتر رفت و به یک

حرکت سراسری در بیش از صد شهر علیه حکومت و کل نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. این خیزش البته به ماه آبان محدود نبود بلکه سرآغاز یک سلسله تحولات بود که بیش از سه ماه به طول انجامید. انفجار اعتراضی به گرانی بنزین در ۲۴ آبان ماه با حمله مردم به بانکها و دفاتر امام جمعه و خودروهای پلیس و مقرات نیروهای سرکوب، با کنترل محلات بوسیله مردم و درگیری مسلحانه با گارد ویژه در برخی از محله ها، تعزیه گردانی حکومت بعد از مرگ قاسم سلیمانی و شلیک به هواپیما و بدنبال آن پاسخ کوبنده مردم با به آتش کشیدن پوسترهای سلیمانی و خامنه ای و شعارهای کوبنده علیه سپاه و فرمانده کل قوا، و بالاخره خراب کردن مضحکه

**سرنگون باد  
حکومت چپاول و جنایت اسلامی**

**DOWN WITH THE ISLAMIC  
REGIME OF IRAN**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

## محمد موسوی زاده، کودکی ۱۱ ساله خودکشی کرد!

سیامک بهاری



خبر دردناکی مانند چاهی عمیق زیر پای جامعه به فقر نشسته دهان باز می‌کند. کودکی ۱۱ ساله در بندر دو در استان بوشهر خود را حلق‌آویز می‌کند و به زندگیش خاتمه می‌دهد. مادر و پدر محمد می‌گویند، نداشتن تلفن مناسب برای شرکت در کلاسهای آنلاین مدرسه دلیل خودکشی او بوده است. آموزش و پرورش بندر دو ادعا می‌کند فروردین همین سال به او تلفن اهداء کرده و با انتشار چند اسکرین‌شات از آخرین پیام‌های او به معلمش از خود سلب مسئولیت می‌کند.

این همه آن چیزی است که به جامعه شوک زده داده شده است تا با خودکشی یک

کودک ۱۱ ساله کنار بیاید! کودکی در عین استیصال و بی‌پناهی نقشه می‌کشد که چگونه خود را حلق‌آویز کند. ابزار مرگ را آماده می‌کند و در سکوتی جانکاه و ناباورانه به زندگیش خاتمه می‌دهد.

لایه‌های قطور این زخم را باید کاوید و کالبد شکافی کرد تا حقیقت زمخت و هولناک این مرگ دردناک نمایان شود. جامعه دردمند به خوبی می‌داند که محمد نه اولین است و نه آخرین. محمد با

اینترنت پر سرعت خرج سنگین دیگری است که نمی‌توان از عهده‌اش برآمد. گرانی بیداد می‌کند و هر روز بیشتر از پیش بیرحمانه‌تر سفره خانواده را تهی می‌کند. محمد ۱۱ ساله، بی‌پناه و درمانده در میانه فشارهای بی‌پایان هر روزه برای انجام تکالیفش چگونه باید فقر خانواده را توضیح بدهد؟ چگونه بگوید که نداری و ناتوانی مالی خانواده هر روز بدتر می‌شود؟ خانواده‌ای با چهار فرزند که یکی از آن‌ها معلول و ناشنوا و نابینا است از عهده تأمین هزینه سنگین آموزش آنلاین بر نمی‌آید.

مادر محمد موسوی زاده می‌گوید: «محمد دانش آموز کلاس پنجم بود، او بچه درس خوان و دانش آموز زرنگی بود. دلش می‌خواست گوشی هوشمند داشته باشد و بتواند برای معلمش عکس و فیلم‌هایی را که خواسته می‌شد بفرستد. اما ما در خانه مان فقط یک گوشی خراب داشتیم که نه فیلمبرداری می‌کرد و نه می‌شد با آن وویس فرستاد. همین باعث غم و غصه پسرم شده بود. مدیر مدرسه محمد چند بار گفته بود که می‌خواهد به سه دانش آموز گوشی بدهد اما این اتفاق نیفتاد. هیچ گوشی‌ای در کار نبود و تنها دلیل غصه پسرم که باعث شد این بلا را سر خودش بیاورد همین نداشتن گوشی بود. مدرسه تا به حال هیچ کمک مالی‌ای هم به ما نکرده بود. محمد از روی استیصال از اقوام و آشنایان گوشی قرض می‌کرده است تا بتواند با معلم خود ارتباط بگیرد و تکالیفش درسی‌اش را انجام بدهد.»

پدر محمد موسوی زاده، می‌گوید: «فرزندم تنها یک گوشی داشت که خودم برایش خریده بودم و با آن

تکلیف‌های مدرسه‌اش را انجام می‌داد تا اینکه این گوشی خراب شد و از من خواست گوشی نو برایش تهیه کنم...!»

کمیسیون آموزش مجلس اسلامی صریحاً گفته است ۳/۵ میلیون دانش‌آموز، و مرکز پژوهش‌های مجلس ایران می‌گوید ۴ میلیون دانش‌آموز به امکانات آموزش آنلاین دسترسی ندارند.

خط فقر برای یک خانوار چهار نفره به بیش از ۱۰ میلیون تومان رسیده است. نرخ برابری دلار و تومان بیش از ۳۲ هزار تومان شده است. بالا رفتن سرسام‌آور قیمت انواع گوشی یا تبلت برای خانواده‌ها دیگر به امری محال بدل شده است.

اما این فقط یک گوشه کوچک از حقیقت است. محمد نمونه بارزی از کودکی بر باد رفته میلیون‌ها کودک دیگر است. مرگ محمد فقط نمونه‌ای از ده‌ها مرگ خاموش است.

در تابستان همین امسال آرمین یازده ساله، کودک کار در کرمانشاه خودکشی کرد. شناسنامه آرمین در گرو بیمارستانی بود که مادر مبتلا به سرطان‌ش را بستری کرده بودند. همین چندی پیش یک دانش‌آموز ۱۴ ساله کرمانشاهی که برای تأمین مخارج تحصیل آنلاین و استفاده از سامانه "شاد" ناچار به کولبری شد، با تعقیب نیروی انتظامی از کوه سقوط کرد. دانش‌آموز ۱۲ ساله دیگری در آبادان به خاطر اینکه مادرش ناچار شد گوشی موبایل و دوچرخه‌اش را بفروشد تا اجاره خانه عقب افتاده را بپردازد، دست به خودکشی زد و به زندگیش پایان داد.

صورت مسأله این فاجعه از اساس روشن است. آن دست



خونینی که خود را در پس فقر و فلاکت و گرانی و مصائب بی‌شمار پنهان کرده است، همان دستی است که "محمد"‌ها را به جایی می‌رساند که خود را حلق‌آویز کنند. کودکی بر بادرفته این کودکان مسبب و بانی دارد. این دست کثیف حکومت اسلامی و کل سرمایه داری مافیائی حاکم در ایران است که گلوی نازک این کودکان را می‌فشارد و جانشان را می‌گیرد. جمهوری اسلامی قاتل همه این کودکان است.

خصوصی و کالایی کردن آموزش و پرورش، بیست و سه نوع استاندارد دسترسی به آموزش را فقط جمهوری اسلامی می‌توانسته خلق کند! این حکومت قاتل محمد موسوی زاده و خیل عظیم میلیون‌ها کودکانی است که از چرخه تحصیل بیرون مانده‌اند و بازار بیرحم کار آنها را و کودکی‌شان را بلعیده است. آموزش و پرورش در حکومت اسلامی یک تجارتخانه و مؤسسه مالی است که آموزش و دسترسی به تحصیل را با استانداردهای متفاوت به مشتری می‌فروشد. محمد موسوی زاده قربانی چنین نظام آموزشی کثیفی است. برای برپایی یک آموزش شاد و انسانی، بدون تبعیض و نابرابری باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.\*

دو خبر دیگر در این ارتباط در صفحه

## تهدید خانواده داغدار کودک ۱۱ ساله‌ای که خودکشی کرد



عیسی نوشاد رئیس دادگستری دو است. همان دستگاه قضایی که قول داده بود موضوع خودکشی درناک یک کودک ۱۱ ساله را فوری بررسی خواهد کرد. دادگستری به موضوع ورود کرد و علیرغم اینکه تناقضات در گفته‌های اولیه آموزش و پرورش بندر دو یکی پس از دیگری مشخص می‌شود، بر روی این خانواده داغدیده و دردمند شمشیر می‌کشد و آنها را تهدید به تشویش اذهان

عمومی می‌کند. - تناقضات آموزش و پرورش: ایرج قاسمی، مدیر مدرسه باهنر بندر دو، پیشتر گفته بود: «فروردین ماه وقتی گوشی جدید خریدم، گوشی قدیمی‌ام را به محمد دادم، نیتیم این بود گوشی را از او پس بگیرم و هدیه بدهم.» ایشان سپس چند اسکرین‌شات هم منتشر کرد که نشان می‌داد محمد موسی‌زاده تا آخرین روز در کلاسهای آنلاین با تلفن همراه

شرکت داشته است. حال روشن شده است که: ۱- محمد ۱۱ ساله با گوشی اسقاطی پدرش، به نام عادل موسوی زاده در کلاسهای آنلاین شرکت می‌کرده است و اساساً تلفنی از مدرسه و یا مدیر مدرسه دریافت نکرده بود. در آخرین روز، فقط حدود ۲ ساعت در سامانه آنلاین بوده ولی هیچ فعالیتی نداشته است. فاطمه نجار، مادر محمد موسوی زاده، به خبرگزاری‌ها گفته بود "گوشی‌ای در کار نبود و تنها دلیل غصه پسرم که باعث شد این بلا را سر خودش بیاورد همین نداشتن گوشی بود. رئیس آموزش و پرورش بندر دو چند بار وعده تحویل گوشی داد، ولی هیچ اقدامی صورت نگرفت و در

حد حرف باقی ماند". ۲- مدیر همچنین اظهار می‌دارد: «در سال تحصیلی جدید مشکلی برای دوربین گوشی ایجاد شد که محمد به معلم گفته بود گوشی مشکل دارد و نمی‌توانم تصاویر و تکالیف را ارسال کنم، معلم گفته بود اشکالی ندارد. اکنون مدیر مدرسه محمد موسوی زاده می‌گوید: که همه این شواهدی که اشاره شده به نام عادل موسوی زاده، پدر محمد است! اینک رییس دادگستری بندر دو در استان بوشهر، می‌گوید: «نداشتن تبلت و گوشی تلفن همراه انگیزه اصلی خودکشی دانش آموز دوی نبوده و جوسازی در این باره کاملاً بی‌اساس و با انگیزه‌های مغرضانه است. دامن زدن به

شایعات موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود و مطرح کردن آن می‌تواند تضعیف نظام آموزشی را در پی داشته باشد. بعید نیست که اظهارات مادر محمد درباره تلفن همراه به این شایعات دامن زده باشد.» دستگاه قضائیه جمهوری اسلامی علیرغم همه مستندات و شواهد موجود، با قساوت غیرقابل باوری مستقیماً دارد خانواده داغدیده‌ای که شوک زده در سوگ کودک ۱۱ ساله خود نشسته‌اند را تهدید می‌کند.

### نهاد کودکان مقدمند

۲۴ مهر ۱۳۹۹

۱۵ اکتبر ۲۰۲۰

است. حکومت موظف است به خانواده‌هایی که بدلیل فقر کودکانشان از تحصیل محروم شده اند کمک هزینه بدهد. هیچ کودکی نباید از تحصیل محروم باشد.

حزب کمونیست  
کارگری ایران



wpi\_tamas@

و یا با ارسال پیام به شماره  
700447425-0046

واتساپ و تلگرام  
اینستاگرام

www.instagram.com/

بسیار غمگینی برای میلیون‌ها دانش آموز تبدیل شده است. دانش آموزانی که تشنه تحصیل هستند اما با حکومتی طرفند که حتی توان تامین امکانات تحصیل برای کودکان را هم ندارد. تحصیل باید در همه سطوح رایگان باشد. تامین امکانات تحصیل آنلاین بعهده حکومت

همین یک صحنه اعلام شکست حکومت در مقابل مردم و موج عظیم جنبش ضد مذهبی است. تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و گزارش از طریق: پیامگیر تلگرام:

گرفته شده است. میلیون‌ها کودک نیز بدلیل فقر از تحصیل محروم شده اند. بخشی از دانش آموزان نیز که تبلت و موبایل دسترسی دارند، بدلیل سیاست فیلترینگ حکومت و یا قطع مرتب اینترنت عملاً استفاده لازم را از شبکه شاد نمیکنند. شبکه شاد در واقع به شبکه

میلیاردها دلار در ۴۰ سال گذشته تلاش کرد مردم را وادار به تسلیم به قوانین اسلامی کند و نتوانست. در زمینه حجاب شکست خورد، در زمینه رابطه پسر و دختر شکست خورد. در زمینه موسیقی شکست خورد، مساجد هر روز خالی تر و خالی تر شدند، مراسم‌های شنبع مذهبی هر روز بی رونق تر شدند، آخوند و آیت الله به بی‌آبروترین و منفورترین پدیده‌های این جامعه تبدیل شدند.

## بحران تحصیل، شبکه شاد یا غم؟



حکومت ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از دانش آموزان کشور معادل ۲۱ درصد از کل آنها از شبکه شاد محرومند و عملاً حق تحصیل از آنها

بحران کرونا در حاکمیت جمهوری اسلامی گریبانگیر دانش آموزان هم شده است. بر اساس آخرین گزارش مشاور وزیر آموزش و پرورش

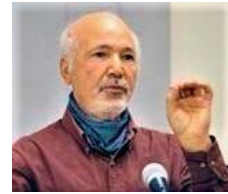
## چقدر این صحنه گویا است

کلیپ چند ثانیه ای است. تاریخی از سرکوب سیستماتیک و تلاش برای اسلامیزه کردن جامعه و تاریخی از مقاومت و مبارزه علیه آن و شکست همه تلاش‌های حکومت. این صحنه صرفاً یک تودهنی بزرگ به مجریان این برنامه نیست یک تودهنی آشکار به اصل نظامی است که با سنگسار و اسیدپاشی و پونز زدن و بسیج خیل اوباش اسلامی و صرف

چقدر این صحنه گویا است مربوط به این لینک است که برای مدیای اجتماعی هر کس میتواند لینک را نگاه کند. هنگام مراسم خاکسپاری محمد رضا شجریان، مراسم از بلندگو گوینده مردم را دعوت می‌کند صلوات بفرستند ولی مردم کف میزنند! چه تاریخ مهم و سراسر جنگ و جدالی پشت این

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.

## اعلام همبستگی معلمان با معلم محکوم به شلاق کاظم نیکخواه



یک خبر امروز ۲۱ مهر در رسانه‌ها که بسیار جلب توجه میکرد شکایت وزیر آموزش و پرورش و معاونش از یک معلم، و صدور حکم شلاق علیه معلم مزبور بود. سرتاپی این خبر بدیع و قابل توجه است

طبق گزارش روزنامه عصر ایران بنا به رای صادره مجتمع قضایی کارکنان دولت، رضا نهضت یکی از معلمان آموزش و پرورش مدارس تهران با شکایت محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش و ترکمن الله بار معاون وزیر در دادگاه کیفری تهران به ۴۵ ضربه شلاق محکوم شد. بنا به این گزارش جرم این معلم "توهین به مقامات" از طریق ترسیم کاریکاتور و انتشار آن در کانال تلگرامی

## کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، خواهان آزادی معلمان در بند زندان است

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) خواستار لغو حکم ده سال زندان اسماعیل عبدی و آزادی هر چه سریع‌تر او، محمد حبیبی و دیگر زندانیان دربند همانند آنهاست. در بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) آمده است: در ابتدای سال ۹۹ زمانی که دستورالعمل قوه قضاییه

مبنی بر مرخصی و آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی-عقیدتی و بی‌خطر ابلاغ شد، بارقه‌هایی از امید برای آزادی فعالان صنفی و سیاسی به ویژه معلمان دربند، شکل گرفت. اسماعیل عبدی که برای فعالیت‌های صنفی، به ۶ سال زندان محکوم شده بود، در اردیبهشت گذشته پس از

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org



داده است. میگوید: "مجازات قضایی هیچگاه مورد نظر نبوده و نخواهد بود. ترجیح میدهم اصلاح رفتارهای نادرست و غیرحرفه‌ای برخی، در همان فضای مدنی و

رسانه‌ای محقق شود." جالب نیست؟ او و معاونش به قوه قضائیه حکومت اسلامی رسماً شکایت کرده اند زیرا هدفشان این بوده که این معلم مجازات شود و بعد که موجی از اعتراض بر میخیزد و همه از معلم محکوم حمایت میکنند، ایشان یادش می‌آید که بگوید منظور او مجازات قضایی نبوده!! پس منظور جنابعالی چه مجازاتی بوده؟ فقط میشود محکمتر از قبل گفت خاک بر سر جمهوری اسلامی و وزرای کودنش و زنده باد اتحاد و همبستگی مردم ضد جمهوری اسلامی!

اعتراض گسترش بیشتری می‌یابد. مثل همین مورد اخیر موجی از اعلام همبستگی با معلم محکوم شده براه می‌افتد و معلمان با صدای رسا می‌گویند ما را بجای رضا نهضت شلاق بزنید. این یعنی خاک بر سر حکومت شلاق! یعنی ما مردم از شلاق ترسی نداریم. یعنی به مضحکه کشیدن شما جانیان عقب مانده تاریخ ادامه میدهیم. براستی ننگ و نفرت بر حکومت شلاق و شکنجه و زندان!

### بعدالتحریر:

#### وزیر زیر فشار

**شکایتش را پس گرفت!** خیر جالب اینست که سه روز پس از علنی شدن خبر شکایت وزیر و معاون آموزش و پرورش از رضا نهضت و محکومیت او به شلاق (پست زیر) به دلیل کشیدن کاریکاتور از سران حکومت، و اعتراضاتی که توسط معلمان و ما مردم به این حکم ضد انسانی صورت گرفت، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی شکایتش را پس گرفت و عقب نشینی کرد. او در تویترش توضیح جالبی

قرار دارد و کار دست اندرکارانش به جنون کشیده شده است. کاریکاتور کشیدن بنا به استانداردهای بین المللی و امروزی جزو آزادی بیان پایه ای هر انسانی در جامعه است.

مسخره کردن سران حکومت جزو حق آزادی بیان مردم است. اما این حکومت همین شنیع ترین و قبیح ترین مجازات عصر حجری را علیه استفاده کنندگان از ساده ترین حق آزادی بیان مردم بکار میبرد تا خود را از زیر ضرب فضای وسیع و گسترده تمسخر و مضحکه ای که در جامعه علیه سران و دست اندرکارانش به جریان افتاده خلاص کند. چرا که میدانند این مضحکه از آن مضحکه های معمولی نیست. بلکه بخشی از جنبش نفی حکومت است. بخشی از جنبش سرنگونی و جنبش وسیع خلاصی از شر این حکومت است. در نتیجه بخيال خود میخواهد با مجازات شلاق و زندان و بگير ببند با این جنبش مقابله کند. زهی حماقت و خیال باطل! نتیجه این میشود که موج

گذراندن بیش از ۵ سال از دوره محکومیت به مرخصی آمد. با این وعده که مرخصی منجر به آزادی است. اما به دلایلی نامشخص، پس از مدت کوتاهی به زندان احضار و در بازگشت به زندان، به یکباره با اجرایی شدن حکم تعلیقی ده سال زندان مواجه شد. ما بارها شاهد عدم پای بندی به قوانین رسمی جاری از سوی دستگاه قضایی بوده‌ایم؛ اما این بار اجرایی کردن حکم تعلیقی که اصل آن نیز از نظر حقوقی، پذیرفتنی نیست، پوزخندی تلخ بود بر عدالتی که دستگاه قضایی خود را متولی آن می‌داند! فعالان صنفی و مدنی که از

معلمانی همچون اسماعیل عبدی که جزو شریف‌ترین و کم برخوردارترین اقشار جامعه‌اند، نه تنها از حقوق اولیه خود محروم می‌شوند که به صرف مطالبه حقوق قانونی خود و همکاری‌شان باید مظلومانه - و صلابته سرافراز - سال‌ها زندان را تحمل کنند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پذیرفته نشدن تقاضای اعاده دادرسی اسماعیل عبدی و تلاش برای اجرایی شدن حکم ده سال زندان عضو ارشد خود را غیرقانونی، برخلاف ابتدایی ترین حقوق مصرح در قوانین جاری کشور و حقوق بشر می‌داند و آن را به شدت محکوم می‌کند.\*



در شرایطی که بدلیل شیوع کرونا که با سیاست های ضد انسانی حکومت بسیار تشدید شد و خیلی ها جانشان را از دست دادند، حکومت حاضر نشد بودجه ای به سیستم درمانی اختصاص بدهد. حاضر نشد پرستاران بیشتری استخدام کند، حاضر نشد حقوقی به آنها اضافه کند و حتی بموقع حقوقشان را پرداخت کند. همه جا مرگ و تباهی از این حکومت میبارد. و در مقابل همه جا خشم و نفرت در میان مردم انبار میشود. مطالبات افزایش می یابد و عطش آزادی از شر این حکومت بیشتر میشود.

همه چیز بر ضرورت تلاش بیشتر برای متشکل شدن، بیانیه دادن، تومار جمع کردن، در گروههای مدیای اجتماعی سازمانیافتن، اعتصاب کردن و تجمع کردن تاکید میکند. از جمله پرستاران و سایر کادر درمانی با توجه به موقعیت اجتماعی شان میتوانند همراه با مردم در هر شهر و محله ای پرچم اعتراض به سیستم درمانی و پرچم مطالبات کادر درمانی و مطالبات مردم از جمله درمان کاملا رایگان را بلند کنند و جبهه قدرتمندی از اعتراض علیه حکومت ننگین اسلامی شکل بدهند.\*



و از آن روز تاکنون هم سال این طرحها با عناوین متفاوت اجرا می شود آن هم در شرایطی که انجمنها و فعالان حقوق کودک و نوجوان بارها چنین اقداماتی را زیر سوال برده و اثربخشی آن را در جهت ریشه کن شدن این مساله نفی کرده اند. به گفته معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، بیش از ۷۰ هزار کودک کار که در خیابانها فعالیت می کنند در کشور وجود دارد و همین آمار هم به خوبی نشان می دهد که طرحهای اینچنینی تا چه اندازه عبث بوده اند. نحوه برخورد سازمان بهزیستی برای جمع آوری این کودکان و

نگهداری آنها در مراکز هم خود پرورنده دیگری است. ۱۶ شهریورماه بود که اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه ۱۰ کودک و نوجوان محبوس در زیرزمین اداره بهزیستی شاهین شهر کودکان سر چهارراهها بوده اند که از قرار معلوم توسط ماموران

## ۲۰ هزار پرستار به کرونا مبتلا شدند و ۱۰۰۰ نفر تقاضای مهاجرت به کشورهای دیگر کردند

رئیس هیئت مدیره نظام پرستاری تهران ضمن بیان اینکه تا امروز نزدیک ۲۰ هزار پرستار به بیماری کرونا مبتلا شدند، اظهار کرد: "در جلسات مختلف با کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و دولت بارها به فرسودگی و فشار کاری که بر پرستاران وارد شده اشاره کردم و هشدار دادم که عدم توجه به این موضوع می تواند فاجعه ای بزرگ را ایجاد کند اما علی رغم تمام هشدارها شاهد بودیم". "طی چند ماه اخیر بیش از هزار پرستار درخواست خروج از کشور را داشتند که عدم دریافت به موقع و دقیق پاداش کرونا، بی تدبیری در زمینه حفظ منابع انسانی، عدم جذب نیروهای ۸۹ روزه، عمل نکردن به وعده هایی که به آنها داده شده از اصلی ترین دلایل مهاجرت پرستاران است". آیا توضیحی لازم است؟ حتی

## جنایت سیستماتیک علیه کودکان در نظام اسلامی

گزارش اعتماد آنلاین احتیاجی به توضیح ندارد. گوشه ای کوچک از جنایت سازمانیافته و سیستماتیک نظام اسلامی علیه کودکان معصوم را بخوبی نشان میدهد. روایت ۵ کودک کار ۷ تا ۱۵ ساله که تجربه دستگیر شدن توسط ماموران سازمان بهزیستی را دارند روایت خود را در گزارش اعتماد آنلاین بازگو میکنند. از مواجهه با طرح جمع آوری بهزیستی در گزارش «اعتمادآنلاین:» «ما را با یک دستگاه برقی می زدند .. مددکار همان خانمی است که نمی گذارد زودتر از ۱۰ روز پیش مادرم برگردم ... کار نکنم، پدرم خرجم نمی دهد ( ) . «اعتمادآنلاین» نیلوفر حامدی) بیش از سه دهه از نخستین روزی که سازمان بهزیستی در صدد جمع آوری کودکان کار برآمده می گذرد. این سازمان تنها ابزار مقابله با کودکان کار را در جمع آوری آنها از سطح شهر خلاصه کرد

## خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!

آبان خیزش مردم به ستوه آمده از فقر و مافیای سرمایه داری حاکم بود. آبان خیزش مردم به جان آمده از زندان و سرکوب و ارتجاع اسلامی بود. خیزش آبان ماه و دی ماه و جنبشها و خیزشهای قبل و بعد از آن عزم کارگران، جوانان،

سیستم حاکم متوقف نخواهد شد. عزیزان بسیاری در آبان ماه توسط حاکمین اسلامی کشتار شدند و جایشان همیشه در قلب مردم خالیست. جانیان حاکم فی الحال به خاطر این جنایات در سه کنج اعتراضات قرار گرفته اند و دور نخواهد بود روزی که در دادگاههای مردمی آنها را به محاکمه بکشیم. امر و هدف این عزیزان همیشه زنده و پویاست و پیشروی و

پیروزی آن امر همه ما مردم است.  
نابود باد حکومت اسلامی!  
زنده باد انقلاب انسانی

برای جامعه ای آزاد و انسانی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ مهر ۱۳۹۹





## نامه سرگشاده به کلیه مجامع بین‌المللی در باره کودک ستیزی جمهوری اسلامی



«لیدیا» را به دلیل بیماری‌اش به فرزندی بپذیرد، صفر است.

با رأی دادگاه تجدید نظر استان بوشهر، حکم جدایی فرزند خوانده ۲ ساله مریم فلاحی و سام خسروی زوج مسیحی که از ده هفتگی سرپرستی اش را برعهده داشتند، صادر شد. در حکم صادره آمده است، به دلیل مسلمان زاده بودن این کودک، خانواده مسیحی نمی‌تواند سرپرستی وی را برعهده داشته باشد.

مریم فلاحی و سام خسروی پدر و مادر خوانده «لیدیا» در تیر ماه سال جاری به جرم تبلیغ علیه نظام توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند. مریم فلاحی در زندان تهدید شد که فرزندش را از او جدا می‌کنند.

برخورد با نوکیشان مسیحی در ایران کاملا خصمانه و امنیتی است و این برخوردهای خشن در حالی صورت می‌گیرد که طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هر شخصی حق دارد از آزادی دین و تغییر دین با اعتقاد و همچنین آزادی اظهار آن به طور فردی یا جمعی و به طور علنی یا در خفا برخوردار باشد. مطابق قانون اساسی جمهوری

یک خانواده مسیحی داده می‌شد. این کودک باید به پرورشگاه بازگردانده شود.

مریم فلاحی و سام خسروی، از جمله هفت نوکیش مسیحی هستند که در تاریخ دهم تیرماه ۱۳۹۸، توسط مأموران امنیتی شهرستان بوشهر، به جرم گرویدن به دین مسیحیت بازداشت و در دادگاه انقلاب بوشهر محاکمه شدند. بر اساس حکم دادگاه انقلاب، سام خسروی، به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت اقامت در بوشهر و مریم فلاحی به ۸۰ میلیون ریال جزای نقدی و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شدند.

دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی مسئله گرویدن شهروندان ایران به مسیحیت را با حساسیت خصمانه‌ای دنبال و برخورد امنیتی می‌کنند.

علیرغم اینکه پیشتر در ۲۹ تیرماه سال جاری قاضی دادگاه خانواده عنوان کرده بود که رابطه عاطفی شدیدی بین این کوک دوساله و زوج مسیحی، مریم فلاحی و سام خسروی، وجود دارد و با بازگشت این کودک بیمار به پرورشگاه، آینده نامعلومی در انتظار وی است و احتمال اینکه خانواده دیگری

کودک که حدود ده هفته از تولد او گذشته بود را بعهده گرفتند و نامش را «لیدیا» گذاشتند. اکنون این کودک دو ساله که از بیماری قلبی و گوارشی رنج می‌برد. بنا به حکم دادگاه باید به پرورشگاه بازگردانده شود.

این کودک دو ساله از بیماری قلبی و گوارشی رنج می‌برد در حالیکه سازمان بهداشتی زوج مسیحی را از بیماری لیدیا با خبر نکرده بود. با این حال آنها بدون هیچگونه اعتراضی تمام تلاش خود را جهت بهبود وضعیت کودک انجام می‌دهند.

ناظر بهداشتی و پزشکی قانونی نیز تأیید کرده‌اند که در طول مدت سرپرستی، مریم فلاحی که سال‌ها در بیمارستان قلب بوشهر پرستار بوده و شوهرش، بهترین مراقبت‌ها را از این کودک انجام داده‌اند.

اکنون دادگاهی در استان بوشهر برای انتقام‌گیری از این خانواده به دلیل گرویدن آنان به دین مسیحیت، حکم صادر کرده است که طبق قوانین فقهی اسلامی شیعه، این کودک به دلیل مسلمان زاده بودن نباید به

۱۲۱ وکیل دادگستری و فعال مدنی روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه، ۱۵ اکتبر در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه ایران، حکم دادگاه بوشهر مبنی بر جدایی کودک دو ساله از زوج نوکیش مسیحی و سلب فرزند خواندگی او را بر خلاف اصول متعدد قانون اساسی دانستند که به درخواست سازمان بهداشتی، دادگاه بوشهر حکم به لغو سرپرستی آنها داده شد.

لیدیای دوساله بیماری شدید قلبی دارد و دادگاه بوشهر بدون توجه به قواعد انسانی، مصلحت و سلامتی این کودک، حکم به لغو سرپرستی داده است. نهاد کودکان مقدمند ضمن استقبال از نامه اعتراضی وکلای دادگستری و فعالین اجتماعی به اطلاع می‌رساند که پس از انتشار این خبر با مراجعه به نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق کودکان خواستار توقف حکم دادگاه بوشهر گردیده بود. یک خانواده نوکیش مسیحی، به نام‌های مریم فلاحی و سام خسروی در شهرستان بوشهر در جنوب ایران فرزند خواندگی یک



ترامپ هواداران ایرانی‌اش را خجالت زده کرد

و تجهیزات روبرو هستند و این جانین سرمایه دار که در بالاترین سطح رفاهی و بیشترین امکانات پزشکی زندگی میکنند،

مردم را به دین و خدا واگذار میکنند و اوج وقاحت و بی مسئولیتی خود و گندیدگی و ناتونی نظامشان را بیشتر در معرض دید مردم قرار می‌دهند.\*

بی مایه را دشوارتر میکنند، و بیشتر ماهیت بی مایه و عقب مانده این بخش اپوزیسیون را به مردم نشان می‌دهد.

کرونا جان بیش از یک میلیون انسان را گرفته، فقر و تهیدستی با ظهور کرونا تشدید شده و بیکاری در جوامع مختلف بیداد میکند. نبود امکانات پزشکی آمار مرگ و میر را بالاتر برده و بیمارستان‌ها با کمبود تخت

اما صرف‌نظر از اینکه ترامپ واقعا کرونا گرفته یا رسماً دروغ می‌گوید و میخواهد با مظلوم نمایی در رقابت انتخاباتی موقعیت بهتری برای خود دست و پا کند، اما هرچه هست این اظهار نظرات خمینی گونه اش اصلاً برای سینه چاکان ایرانی اش خوشایند نیست و آنها را در نزد مردم خجالت زده میکند. در ایران این نوع اظهار نظرات به خشم و نفرت بیشتر مردم منجر میشود. هرچه ترامپ مومن نمایی بیشتری میکند و بیشتر پز مذهبی بخود می‌گیرد، در ایران بیشتر مورد نفرت قرار می‌گیرد و این کار اپوزیسیون ایرانی طرفدار این راسیست لجن و وقیح و

## ترامپ هواداران ایرانی‌اش را خجالت زده کرد!

مسئولانه اش نسبت به شیوع کرونا در آمریکا است.

کشوری که با بیشترین ثروت و امکانات تکنوژیک، کمترین آمادگی را برای مقابله با شیوع کرونا و معالجه بیماران داشته و بالاترین تلفات را بدنبال داشته است. باید کرونا را امتحان الهی بخواند و بجای بالا بردن خدمات پزشکی برای مردم، آنها را به الله بسپارد. درست مانند آیت الله‌های جمهوری اسلامی که بجای امکانات درمانی، مردم را به صحیفه سجادیه و شاش شتر رجوع دادند.

در تازه ترین اظهار نظر، ترامپ کرونا را یک رحمت الهی خواند.

درست همانطور که خمینی جنگ را برکت الهی دانست. مرتجع ترین شخصیت‌ها وقاحتشان هم حد و مرز ندارد. ترامپ یکی از شاخص‌ترین مرتجعین دنیا است. یک میلیارد راسیست، ضد زن، حقه باز، کسی که آشکارا دروغ می‌گوید و به راحتی ارتش را سراغ مردم معترض می‌فرستد. ترامپ می‌گوید کرونا گرفته و این یک رحمت الهی است. این تبلیغات مکمل سیاست غیر

## "بایکوت سیاسی، ورزشی، هنری و فرهنگی جمهوری اسلامی"

تجربی:

تم سخترانی: سینمای آلمان نازی و سینمای جمهوری اسلامی

میثم عتیق، از شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست:

تم سخترانی: اهمیت بایکوت بین المللی جمهوری اسلامی و اقدامات لازم برای پیشبرد آن.

کنفرانس بصورت پخش زنده از آدرسهای زیر در اینستاگرام، یوتیوب، توئیتر و فیسبوک در دسترس خواهد بود:

یوتیوب

[https://youtu.be/E\\_AdwXdwzRk](https://youtu.be/E_AdwXdwzRk)

اینستاگرام <http://instagram.com/womenrevolution>

اینستاگرام

<http://instagram.com/javanan.komonist>

فیسبوک

<https://www.facebook.com/womensrevolution1>

ورزشی و هنری و بستن تمام شاهرگها و مسیرهای تقویت جمهوری اسلامی.

مصطفی صابر، رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

تم سخترانی: دو دهه تلاش برای منزوی کردن جمهوری اسلامی

شکیب مصدق، خواننده، آهنگساز و ترانه سرا:

تم سخترانی: تفکیک هنرمندان مستقل از خدمت دولتها هستند

امیر عسگری، طراح گرافیک و از مسئولین دانشگاه سنگر آزادی و

برابری:

تم سخترانی: بایکوت فرهنگی، هنری و ورزشی جمهوری اسلامی

بصیر نصیبی، بصیر نصیبی سینماگر و بنیان گذار سینمای آزاد ایران و فدراسیون جهانی سینمای

کنفرانس در رابطه با "بایکوت سیاسی، ورزشی، هنری و فرهنگی جمهوری اسلامی و نقش چهره ها و شخصیتهای شناخته شده هنری، ورزشی در حمایت از جنبش سرنگونی و مبارزات مردم ایران"

زمان:

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۹ برابر با ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰ ساعت ۱۹:۳۰ بوقت ایران برابر با ۱۸ اروپای مرکزی، شرکت کنندگان و موضوع سخترانی:

ناصر کلهر، فیلمساز و فعال سیاسی:

تم سخترانی: بایکوت همه جانبه (سیاسی، هنری، ورزشی) جمهوری اسلامی؛ وظیفه اجتماعی یا مسئولیت فردی

آترا عظیمی، شاعر و نویسنده و کارگردان:

تم سخترانی: اعتراض تا آزادی، لزوم بایکوت سیاسی،

## سمینار سرنگونی و بایکوت سیاسی، ورزشی، فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی

زمان: پنجشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۹۹، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰  
ساعت: ۱۸:۰۰ اروپای مرکزی، ۱۹:۳۰ بوقت ایران

			آترا عظیمی شاعر و نویسنده و کارگردان انرژی: از آزادی برای بایکوت سیاسی-هنری و هنری و بستن تمام شاهرگها و مسیرهای تقویت جمهوری اسلامی
			امیر عسگری طراح گرافیک و از مسئولین دانشگاه سنگر آزادی و برابری بایکوت فرهنگی، هنری و ورزشی جمهوری اسلامی
			میثم عتیق از شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست اهمیت بایکوت بین المللی جمهوری اسلامی و اقدامات لازم برای پیشبرد آن
			بصیر نصیبی سینماگر و بنیان گذار سینمای آزاد ایران و فدراسیون جهانی سینمای تجرینی سینمای آلمان نازی و سینمای جمهوری اسلامی

سمینار بصورت پخش زنده از آدرسهای زیر در دسترس خواهد بود

0046739681438 @sjktamas

تصویری، صوتی و نوشتاری به پیامگیر تلگرام <https://t.me/sjktamas> و یا شماره تلگرام، واتساپ، سیگنال 0046739681438

کانال تلگرام <https://t.me/enghelabezananeh>  
توییت <https://twitter.com/enghelabezananeh>  
ارسال پیامهای

کنند. با بلند شدن صدای اعتراض کارگران مدیریت از ترس گسترش اعتصاب با وعده پرداخت حق فنی به همه کارگران از ۳ ماه دیگر، قبول کردند به سر کار برگردند.

روز ۲۳ مهر ماه مریمان حق التدریسی در اعتراض به اخراجها مقابل فرمانداری باغ ملک در خوزستان تجمع کردند. به گفته این مریمان که تا بیش از ۶ سال سابقه کار داشته‌اند طی این مدت با وعده تبدیل وضعیت به حق التدریسی با هزینه خود بیمه را پرداخت کرده‌اند و هر روز به روستاهای دور افتاده رفته‌اند و حالا حکم اخراج گروهی آنها صادر شده است. نا امنی شغلی و اخراجها و

سطح نازل حقوقها معضل مریمان حق التدریسی و پیش دبستانی در سطح سراسری است. در اعتراض به این وضعیت روز دوشنبه ۲۱ مهر ماه شماری از مریمان پیش‌دبستانی به نمایندگی از همکارانشان در شهرهای مختلف ایران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شغلی و حقوقی خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش و با خواست استخدام و روشن شدن وضعیت شغلی شان تجمع کردند.

روز ۲۳ مهر تانکداران حمل سوخت خط عراق با اعلام اینکه تا وقتی حق توقف و پول خواب خوب دریافت نکنند ماشینها را حرکت نخواهند داد، دست به

اعتصاب زدند. -کانون صنفی معلمان ایران (تهران) طی بیانیه ای به تاریخ بیست و دوم مهرماه اعتراض خود را به اجرایی شدن حکم ده سال زندان برای اسماعیل عبدی معلم زندانی اعلام کرده و خواستار آزادی فوری او و محمد حبیبی و تمامی معلمان دربند شده است. اسماعیل عبدی که بخاطر دفاع از حقوق معلمان و مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی و تحصیل رایگان برای همه کودکان به ۶ سال زندان محکوم شده بود، در اردیبهشت ۹۸ پس از گذراندن بیش از ۵ سال از دوره محکومیت به مرخصی آمد. با این وعده که مرخصی ادامه در صفحه ۱۲

## تلخیصی از چند اطلاعیه حزب! اعتصاب در فولاد اهواز، اعتراض معلمان به حکم زندان اسماعیل عبدی و چند خبر دیگر

در قالب حق فنی نموده است اما به کارگران چیزی پرداخت نشده است. کارگران معترض میگویند حق فنی آئینی است که در فیش های حقوقی آنها لحاظ شده اما تا کنون هیچگونه پرداختی صورت نگرفته است. به گفته کارگران معترض در صورتی که شرکت پرداخت حق فنی به کارگران را عملی نکند، حاضر به کار نیستند و مدیران و رؤسای که حق فنی را دریافت میکنند خودشان هم خطوط تولید را راه اندازی و اداره

صبح روز ۲۳ مهر کارگران خط یک و خط سه نورد میلگرد در شرکت گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به پرداخت حق فنی به مدیران و سرپرستان بخش های تولیدی و عدم پرداخت به کارگران، دست از کار کشیده و در محل کار تجمع کردند. به گفته کارگران این واحد مدیریت شرکت از ماه گذشته اقدام به پرداخت مبالغ ۳ میلیون تومانی و یک میلیون و پانصد هزار تومانی به کارشناسان و مدیران بخش ها

## هفت تپه: اعتصاب کارگران بخش داخلی کارخانه و پیگیری مطالبات

روز دوشنبه ۲۲ مهرماه کارگران بخش داخلی شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت حقوقها، عدم اخراج مدیران بازنشسته گماشته شده از سوی باند اسدیگی، دادن نامه عدم نیاز به امید آزادی یکی از نمایندگان کارگری و احضار او به کمیته انضباطی، و وعده های عمل نشده، به اعتصاب خود ادامه دادند. مدیران و مسئولین گوش به فرمان باند اسدیگی در آخرین روزهای حضورشان در شرکت آخرین نقلهایشان را برای فشار آوردن به کارگران انجام میدهند و از جمله با فشار آوردن به نمایندگان کارگران سعی میکنند صف متحد اعتراض آنان را تضعیف کنند. در همین رابطه جلسات متعددی با حضور امجدی

مسئول حراست و موسوی مسئول امور اداری در مورد امید آزادی یکی از نمایندگان کارگران در اداره کار برگزار شده است. اما کارگران با تصمیم گیری شورایی و متحدانه برابر این توطئه ها ایستاده و حمایت خود را از امید آزادی و نمایندگانشان اعلام کرده اند. علاوه بر این علیرغم وعده های داده شده، هنوز اقدامی برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران نشده است. در حال حاضر کارگران در بخش داخلی شرکت در اعتصابند و در بخش کشاورزی و بخش های دیگر برای جلوگیری از تعطیل شرکت هفت تپه و به خطر افتادن شغل و معیشتشان، کارگران به کار ادامه میدهند. این چنین است که جدال در هفت تپه همچنان ادامه دارد.

هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری با درسهایی آموزنده است. مبارزات این کارگران را با حمایت و همبستگی گسترده از آنها باید ارج گذاشت.

روز چهارشنبه، ۲۳ مهرماه، تعداد زیادی از کارگران بخش کشت نیشکر هفت تپه به علت تاخیر در پرداخت حقوق شان دست به تجمع و اعتصاب زدند. این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود که آخرین روز اعلام شده آن بود، به اعتصاب خود ادامه دادند. در این روز وعده داده شده بود که باقی دستمزد تیرماه و مزد مرداد کارگران پرداخت شود. این درحالیست که کارگران نیشکر هفت تپه مزد شهرپور را نیز طلب دارند و مهر ماه هم رو به پایان است. کارگران که بخاطر خلف وعده ها و عدم پرداخت طلبهایشان زیر فشار اقتصادی سنگینی قرار دارند، اعلام

### اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه همچنان ادامه دارد



### حزب کمونیست کارگری ایران

کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعلام موفقیت خود مبنی بر خلع ید از اسد بیگی خواستار گسیل یک نفر از سوی دولت و مدیریت نیشکر هفت تپه تحت نظارت و مشورت شورای خود شده اند. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.\*

پیش بسوی

اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد

شوراها

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۳۹۹

۱۴ اکتبر ۲۰۲۰

کردند که اگر آمیلی مدیر تام الاختیار شرکت همین امروز دستور پرداخت مزد کارگران را ندهد، باید فوراً از شرکت برود. کارگران نیشکر هفت تپه همچنان پیگیر مطالبات خود هستند. بازگشت با کار باقی کارگران اخراجی، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه همکار دیگرشان که در سال ۹۷ بازداشت و بعد زیر فشار اعتراضات کارگران آزاد ولی هنوز از کار بیکارند، زیر کشت قرار دادن ۳ هزار هکتار زمین کشاورزی بنا بر وعده داده شده که ماموریت پیگیری آن با استاندار بوده است، خواستهای فوری این

پرداخت نشدن ۵ ماه مزد و حق بیمه و سایر معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

اولتیماتوم کارگران راه آهن سلماس به اعتصاب و چند خبر دیگر

در ادامه اعتراضات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف، روز دوشنبه ۲۱ مهر، کارگران راه آهن سلماس در آذربایجان (شرکت گسترش

آهن راه «گار» (بدلیل تعویق پرداخت مزد و حق بیمه و دیگر مطالباتشان با انتشار فراخوانی اعلام کردند که در صورت عدم پرداخت مطالباتشان خط را خواهند بست. از هفته گذشته دور جدیدی از اعتراضات کارگران راه آهن آغاز شده است. از جمله روز دوشنبه ۱۴ مهر

ادامه در صفحه ۱۲

شغلی و معیشتی شان اعلام و خواستار استخدام در آموزش و پرورش شدند.

روز سه شنبه بیست و دوم مهرماه، جمعی از کارگران شاغل در واحدهای پاکبانی و فضای سبز شهرداری سریش آباد قروه کردستان در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی خود، مقابل این شهرداری تجمع کردند.

روز سه شنبه ۲۲ مهر بیش از ۵۰ نفر از آتش نشانان شهرداری آبادان به دلیل پرداخت نشدن بیش از ۲ ماه حقوق و مزایای شغلی خود مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند.

روز ۲۲ مهر جمعی از کارگران شاغل در آب و فاضلاب بندر امام به دلیل

رانت خوار و چپاولگر اعلام داشته اند. یک کارزار مهم معلمان کارزار آزادی تمامی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی است. در حال حاضر علاوه بر اسماعیل عبدی، محمدحبیبی، زینب هم رنگ، ناهید فتحعلمان، یاسر امین آذر، محمد علی زحمتکش، هاشم خواستار و محمد حسین سپهری از جمله معلمان در بند هستند. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

روز سه شنبه ۲۲ مهر، مریبان نهضت سوادآموزی استان کهگیلویه و بویراحمد با برپایی تجمعاتی مقابل استانداری و دفتر نمایندگان مجلس اسلامی از شهرستان های بویراحمد، دنا و مارگون، اعتراض خود را به بلاتکلیفی

از صفحه ۱۰

## اعتصاب در فولاد اهواز، اعتراض معلمان به حکم زندان اسماعیل عبدی...

او منجر به آزادی است. اما به دلایلی نامشخص، پس از مدت کوتاهی به زندان احضار و طی پرونده جدیدی به ده سال حبس محکوم شد. آخرین خبر اینکه تقاضای اعاده دادرسی این حکم رد شده و این حکم اجرایی شده است. این درحالیست که خیرها حاکی از تخفیفهای عمده، مرخصیهای طولانی و پایان یافتن محکومیت به اصطلاح زندانیانی است که سالها در رأس حساسترین پستهای سیاسی و قضایی قرار داشته و با جرائم مالی سنگین و بخاطر اختلاسها و دزدیها بازداشت شده و اکنون آزادند. معلمان، کارگران و مردم معترض با شعار "دزدان آزادند، کارگر، معلم در زندان است" صدای اعتراض را به این حاکمیت



از صفحه ۱۱

## اعتصاب در فولاد اهواز، اعتراض معلمان به حکم زندان اسماعیل عبدی...

شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی آذربایجان، سرخس، ورامین، لرستان و زاگرس در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند. روز یکشنبه ۲۰ مهر نیز بدنال اولتیماتوم کارگران راه آهن لرستان به اعتصاب بخاطر عدم پرداخت بموقع حقوق و حق بیمه شان، شرکت تراورس ناگزیر به پرداخت حق بیمه آنها شد. کارگران راه آهن تجربه برگزاری اعتصاب همزمان در شهرهای مختلف را دارند و گردآمدن آنها در مدیای اجتماعی امکان هماهنگی اعتراضات و اعتصابات این بخش از کارگران را فراهم کرده و موقعیت مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری در میان کارگران راه آهن وجود دارد.

- روز ۲۰ مهر کادر درمان شرکتی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

- روز یکشنبه ۲۰ مهر، معلمان حق التدریسی اخراجی زنجان در اعتراض به وضعیت بلا تکلیفی شغلی و معیشتی خود در اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کرده و خواستار استخدام در آموزش و پرورش شدند. بنا بر خبرها ۲۸ نفر از معلمان حق التدریسی اخراج شده اند و این درحالیست که برخی از مناطق استان زنجان با کمبود

کشور، صرفه اقتصادی بسیاری به همراه خواهد داشت. این گزارش گوشه دیگری از بساط قاچاق و رانت خواری در جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد. اعتراض کارگران به کل این بساط چپاول و دزدی حاکم است.

### تجمعات اعتراضی بازنشستگان و سه خبر اعتراضی دیگر

- روز ۲۰ مهر شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در تهران و شهرهای کرج، مشهد، تبریز، کرمان و اراک در اعتراض به نحوه همسان سازی و در اعتراض به سطح نازل حقوقهایشان مقابل کانون بازنشستگان تجمع کردند. بازنشستگان در تجمعاتشان بارها بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۰ میلیون، درمان رایگان، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن یک زندگی انسانی تاکید کرده اند.

- روز ۲۰ مهر کادر درمان شرکتی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

- صبح روز ۲۰ مهر کارگران راه آهن لرستان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه خود در محل کارشان تجمع کردند.

- روز شنبه ۱۹ مهر ۱۲۰ کارگر اخراجی پتروشیمی دهلران در اعتراض به اخراج و تعویق پرداخت ۴ ماه مزد مقابل این مجتمع تجمع کرده و خواستار بازگشت بکار و پرداخت مطالباتشان شدند. بنا بر خبرها هفته گذشته یکی از شرکتهای فعال در

پتروشیمی دهلران تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شدند. **اعتراضات کارگران مدیران خودرو، شهرداری اروند، ایران خودرو در تبریز و دو خبر دیگر**

- روز یکشنبه ۲۰ مهر جمعی از کارگران خدمات شهری شهرداری اروندکنار آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.

- روز ۲۰ مهر کارگران شرکت مدیران خودرو خبر اعتراضات روزهای گذشته و اعتصاب چند ساعته خود را در اعتراض به عدم پرداخت کامل مزدشان در شهریور و دیگر مزایای شغلی شان رسانه ای کردند. به گفته کارگران مزد دریافتی ماهانه آنها با مزایای اضافه کاری به حدود سه میلیون تومان می رسید، اما در شهریور ماه این مبلغ به نصف کاهش یافته و اضافه کاری های آنها نیز کسر گردید. بنا بر خبر شرکت خودروسازی مدیران خودرو در منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم قرار دارد و در ماه گذشته تحت عنوان تامین نشدن قطعات تولیدی و نوسانات نرخ ارز به صورت نیمه تعطیل (۱۵ روز) فعالیت



داشت. اما در ماه جاری این قطعات تامین و کارگران در دو شیفت ۱۲ ساعته مشغول به کار شدند. با این حال طلب کارگران پرداخت نشده و آنها دو ماه حقوق طلبکارند.

- روز ۱۹ مهر کارگران کارخانه ایران خودرو در تبریز به دلیل تاخیر در پرداخت یک ماه حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

- روز شنبه ۱۹ مهر جمعی از رانندگان خودروهای گاز سوز آل پی جی و اهالی شهر اهواز در اعتراض به نبود گاز برای مصرف خودروها و مصرف خانگی در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز شنبه ۱۹ مهر، کارگران طرح آبیاری دشت سیستان (شرکت پیمانکاری جهاد نصر همدان) در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق مقابل ساختمان جهاد کشاورزی زابل دست به تجمع زدند.\*

### پیش بسوی

اعتصابات سراسری

### پیش بسوی

ایجاد شوراهای

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۰ مهر ۱۳۹۹

۱۱ اکتبر ۲۰۲۰



**دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلا بی بدل میشود! منصور حکمت**

## جایگاه و دستاوردهای خیزش آبان...

و جنبش برای به زیر کشیدن آنرا عمیق تر و گسترده تر کرده است. به نظر من در فروخواباندن خیزشی که در آبان ۹۸ شروع شد ویروس کرونا موثر تر از سرکوب و کشتار بود. امروز پرونده قطور جنایات و توحش حکومت، از کشتار ۱۵۰۰ نفر در خیزش آبان و ۱۷۶ نفر سرنشینیان هواپیمای اوکراینی تا بازداشت و زندان و اعدام معترضین و غیره، در برابر چشم جهانیان گشوده شده است و موج گسترده ای در اعتراض به این جنایات در ایران و در جهان به راه افتاده است. مردم کارنامه سیاه جنایات حکومت را بعنوان اسلحه ای علیه خود او بکار گرفته اند و این حرکت هر روز قوی تر و گسترده تر میشود.

**انترناسیونال:** در چند سال اخیر شاهد انفجارات و شورشها و خیزشهای متعددی توسط مردم علیه جمهوری اسلامی بوده ایم. اینطور به نظر میرسد که این نوع خیزشها و شورشها تکرار میشوند اما به نتیجه ای نمیرسند. آیا ما با یک دور تسلسل و تکرار روبروئیم و یا با یک روند رو به رشد و بالنده؟

**حمید تقوائی:** بی شک روند مبارزات از نظر مضمون و محتوی و شیوه های مبارزه و ابعاد و دامنه رو به رشد و گسترش است. حتی با یک بررسی اجمالی میتوان دریافت که سیر تحولات دهساله اخیر، از مقطع خیزش ۸۸ تا امروز، از دوره های قبل کاملاً متفاوت و تعرضی تر بوده است. اعتراض

و خود را سازش ناپذیر معرفی کند.

از ۸۸ تا امروز نیز ما با تعمیق و رشد مبارزه مردم، هم از نظر کمی و هم کیفی روبرو بوده ایم. خیزش ۸۸ با قیام علیه کل نظام پایان یافت و خیزش ۹۶ با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" آغاز کرد. خیزش ۸۸ به تهران و یکی دو شهر دیگر محدود بود و خیزش ۹۶ بیش از صد شهر را در بر گرفت. در فاصله ای کمتر از دو سال خیزش توده ای این بار برای تمام کردن عملی ماجرا و در پهنه ای گسترده تر از ۹۶ در سراسر کشور بمیدان آمد. از نظر شکل مبارزه نیز ۹۸ حمله به مراکز نظامی و دولتی و کشیدن مبارزه به محلات و کنترل محله ها و درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر را به شیوه ها و اشکال مبارزاتی جنبش سرنگونی طلبانه افزود و ضرورت دست بردن به اسلحه و مقابله مسلحانه با حکومت را وارد تفکر و گفتمان سیاسی و فضای اعتراضی جامعه کرد. به این روند باید گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری که مانند اعتصاب هپکو و هفت تپه و فولاد اهواز خود زمینه ساز خیزشهای ۹۶ و ۹۸ بود را نیز افزود.

مجموعه این تحولات بروشنی نشان میدهد که اعتراضات و مبارزات توده ای برای بزرگ کشیدن حکومت نه تنها در جا نزده است بلکه مدام عمیق تر و چپ تر و رادیکال تر و گسترده تر شده است. یعنی در جهتی سیر کرده است که نیروهای کمونیست انقلابی مثل حزب ما خواهان آن بودند و برای تحقق اش از همان آغاز بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی

پیگیرانه مبارزه کرده اند. این نشاندهنده دست بالا پیدا کردن چشم انداز و استراتژی چپ در یک مقیاس وسیع اجتماعی است.

**انترناسیونال:** با توحش و ظرفیت جنایتی که جمهوری اسلامی از خود نشان داده است، این گفتمان در جامعه وسیعاً مطرح است که باید با این حکومت مسلحانه مقابله کرد و دست به تعرض مسلحانه زد. نظر شما در این مورد چیست؟

**حمید تقوائی:** در این تردیدی نیست که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی باید دست به اسلحه برد. همانطور که اشاره کردم طرح گفتمان ضرورت مسلح شدن و درگیری مسلحانه با حکومت یکی از دستاوردهای خیزش ۹۸ بود. در برخورد به این تجربه و کلا در قبال مساله مبارزه مسلحانه ما با دو گرایش راست و آوانتوریستی روبرو هستیم که باید نقد و طرد بشوند.

گرایش راست هر نوع دست بردن مردم به اسلحه را بعنوان خشونت رد میکند و مردم را از آن باز میدارد. ظاهر قضیه پرهیز از خونریزی و تبلیغ شیوه های مسالمت آمیز مبارزه است اما در واقع این تلاشی است برای مصون داشت نیروهای مسلح حکومتی ( که اپوزیسیون راست معمولاً آنها را مانند قاسم سلیمانی، سرداران ملی مینامد) و مصون داشتن کل ماشین دولتی از تعرض بر حق توده های انقلابی مردم. کسی که امرش واقعاً جلوگیری از خشونت باشد نمیتواند کشتار هر روزه جمهوری اسلامی را ببیند و مردمی که در مقابل این کشتار ناگزیر باید دست به اسلحه ببرند را از "خشونت" بر حذر بدارد. این خشونت گریزی نیست، حفظ عملی ماشین کشتار حکومتی است.

گرایش دیگر آوانتوریسمی است که اشکال غیر مسلحانه اعتراض و مبارزه را برسیمت نمیشناسد و یا فرعی و ناکارآمد میداند. در این دیدگاه از این واقعیت که رژیم با سرکوب و کشتار به مبارزات و تظاهراتها و اعتصابات مقابله میکند دلیلی ساخته میشود برای بزرگ سؤال بردن اهمیت و جایگاه این مبارزات.

به نظر من اینجا مبارزه توده ای و اجتماعی با جنگ نظامی اشتباه گرفته شده است. دست بردن مردم به اسلحه و درگیری مسلحانه با نیروهای حکومتی بر متن و در روند پیشروی جنبش سرنگونی و در توازن قوایی که اشکال دیگر مبارزه مثل اعتصابات و راهپیمائی ها و تجمعات مردم ایجاد کرده است میتواند شکل بگیرد و تنها در چنین شرایطی میتواند به پیروزی برسد.

نقطه قدرت مردم نیروی نظامی آنها نیست ( همیشه قدرت نظامی حکومت صدها مرتبه از قدرت نظامی مردم بیشتر است) بلکه اعتصابات و تظاهراتهای توده ای است که متن و زمینه مقابله مسلحانه مردم با حکومت را میسازد. مکانیسم های انقلاب در عین حال مکانیسم تدارک و بدست آوردن اسلحه، حمله به پادگانها، سازمانیابی نیروهای مسلح مردمی، درگیری های مسلحانه محله ای و باریکاد بندی خیابانی، قیام های شهری، دست بدست شدن محلات و شهرها، آزادی بعضی از مناطق قبل از آن که حکومت سقوط کند، و اشکال دیگر تقابل نظامی که ممکن است در روند انقلابات رخ بدهد نیز هست. از سوی دیگر این روند است که نیروهای مسلح حکومت را متزلزل میکند، در صفوفشان شکاف میاندازد و آنان را در موقعیت ادامه در صفحه ۱۴

از صفحه ۱۳

## جایگاه و دستاوردهای خیزش آبان...

ضعیف و شکننده ای قرار میدهد.

مبارزه مسلحانه مردم تنها بر متن و با چنین پشتوانه مبارزاتی ای امکان پذیر است. قیام و مبارزه مسلحانه برای بزیر کشیدن حکومت اجتناب ناپذیر است اما برای تدارک آن باید تجمعات و تظاهرات و اعتصابات و دیگر اشکال مبارزه توده ای را هر چه گسترده تر و عمیق تر و متحد تر سازمان داد و به پیش برد. این تنها راه تدارک و آماده سازی توده مردم برای دست بردن به اسلحه است. اشاعه تبیین کمونیستی از مقابله مسلحانه با حکومت و مطلوبیت و ضرورت آن و همچنین نقد تبیین و بینش راست و گرایش آوانتوریستی از مبارزه مسلحانه خود جزئی از این تدارک و آماده سازی است.

**انترناسیونال:** اجازه بدهید بعنوان آخرین سؤال به شرایط امروز جامعه پردازم. چه تبیین و ارزیابی ای از وضعیت سیاسی جامعه یکسال پس از خیزش آبان دارید؟ آیا نقش و تاثیرات آن خیزش در شرایط امروز هم قابل مشاهده است؟

**حمید تقوایی:** ویژگی شرایط امروز گسترش اعتصابات کارگری، شکل گیری حرکات اعتراضی تازه، و گسترش و تعمیق جنبش های فی الحال جاری در جامعه است.

اعتصابات کارگری با پیشگامی اعتصاب کارگران هفت تپه که هنوز بعد از ۴ ماه همچنان ادامه دارد شروع شد. اعتصابی که در دور اول خود در سال ۹۷ شعار اداره شورائی را مطرح کرد، برای دریافت دستمزدهای معوقه و

افزایش دستمزدها و علیه غارت و چپاول و فساد که تحت لوای خصوصی سازی صورت میگردد دوباره بمیدان آمد و خواستار دخالت شورای خود در اداره کارخانه شد. بدنبال آن اعتصابات در بیش از ۵۰ مرکز تولیدی در صنعت نفت و پتروشیمی و رشته های وابسته به آن شکل گرفت که یک خواست مهم آن قطع دست پیمانکارها و ختم قرار دادهای موقت بود. ویژگی این اعتصابات، علاوه بر ابعاد گسترده آن، اینست که از چهارچوب مطالبات صنفی فراتر میروند و به نوعی سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را بجالش میکشد. از این نقطه نظر این اعتصابات در چهارچوب جنبش سرنگونی قرار میگیرد و خود ناشی از توازن قوا و جو عمومی سیاسی است که خیزش آبان ایجاد کرده است.

در رابطه با جنبشهای اعتراضی با سابقه، مبارزه علیه اعدام، حرکتیهای اعتراضی برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش دادخواهی و اعتراض علیه فساد و دزدی و چپاول مقامات حکومتی، که پرچمدار آن در شرایط امروز اعتصابات و اعتراضات کارگری است، از جمله عرصه هائی است که در یکساله اخیر اوج گرفته است. بخصوص جنبش علیه مجازات اعدام که در اعتراض به حکم اعدام هشت جوان معترض آبان ۹۸ و دیماه ۹۶ آغاز شد به یک رفراندوم جهانی ده میلیونی علیه مجازات اعدام تبدیل شده است.

در زمینه جنبش های تازه باید به اعتراضات پیگیر خانواده های جانبختگان خیزش آبان و بستگان

قربانیان سقوط هواپیما، مبارزه مردم با پاندمی کرونا که جمهوری اسلامی خود یک عامل موثر شیوع آن بود و فعال شدن پرستاران و کارگران بیمارستانها و پزشکان در این رابطه، جنبش نمیتوانم نفس بکشم، و جنبش "می تو" علیه تجاوز و تعرض جنسی به زنان که در جامعه ایران ریشه ای اسلامی - حکومتی دارد، اشاره کرد.

یکی از مهمترین و سرنگونی طلبانه ترین این جنبش ها حرکت گسترده برای بایکوت جمهوری اسلامی است. در روند این حرکت، که در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری و سپس اعتراض به قتل او شکل گرفت، چهره های ورزشی جهانی و ایرانی خواستار تحریم ورزشی جمهوری اسلامی شدند و تعدادی از احزاب و نهادهای حقوق بشر و حتی برخی از دولتهای اروپائی جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام های گسترده و نقض سیستماتیک حقوق بشر صریحا محکوم کردند. از داخل ایران نیز شماری از نهادهای کارگری و دانشجویی و مدافعین حقوق کودک در بیانیه ای از دولتها خواستند که جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش محکوم کنند. این اعتراضات به گفتمان بایکوت سیاسی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی در یک سطح گسترده دامن زده است. این نیز حرکتی رو به اوج و در حال گسترش است.

در تمام این تحولات تاثیرات و نتایج خیزش آبان را میتوان مشاهده کرد. جنبش دادخواهی، اعتراضات خانواده های جانبختگان آبان ماه و قربانیان شلیک به هواپیما، اوجگیری مبارزه در دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی آنان، و جنبش بایکوت

**آبان خیزش مردم به ستوه آمده از فقر و مافیای سرمایه داری حاکم بود. آبان خیزش مردم به جان آمده از زندان و سرکوب و ارتجاع اسلامی بود.**



**خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!**

خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی از دست داده اند بزرگداشت و بهترین راه این بزرگداشت تقویت و به پیش راندن جنبش داخواهی و محاکمه سران جنایتکار حکومت، گسترش مبارزه برای لغو مجازات اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی و تقویت حرکت جهانی برای طرد و منزوی کردن جهانی جمهوری اسلامی است. خیزش مجدد جامعه در این عرصه ها بمناسبت سالگرد خیزش آبان ماه میتواند شرایط و توازن قوا را هر چه بیشتر به ضرر رژیم قاتل مردم و به نفع انقلابی که در حال شکل گیری است تغییر بدهد.\*

جمهوری اسلامی مستقیما به خیزش آبان مربوط میشود. اما مهمتر از آن فضای عمومی سیاسی و مبارزاتی است که در اثر خیزش آبان ماه کاملا به نفع مردم و به ضرر رژیم تغییر کرده است. بدون تغییر توازن قوا بدنبال خیزش آبانماه و فضای اعتراضی شکل گرفته بر اثر این خیزش نه اعتصابات گسترده کارگری قابل تصور بود و نه جنبش علیه اعدام میتوانست چنین ابعاد گسترده ای به خود بگیرد. و نه حرکت جهانی برای بایکوت حکومت اسلامی امکان ابراز وجود پیدا میکرد. در سالگرد خیزش آبان باید یاد جانبختگان آبان و دیماه و همه عزیزانی که جان

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran